

شعار چین در هزاره سوم «پیش به سوی غرب» است که متأثر از واکنش به استراتژی امریکایی «چرخش به سوی آسیا» برای مهار چین بود. اوپاما در اواخر سال ۲۰۱۱ با اتخاذ استراتژی «چرخش به آسیا» رسماً اعلام کرد که قصد دارد منطقه آسیا-پاسیفیک را به اولویت سیاست خارجی خود تبدیل کرده و توجه بیشتری به آن معطوف کند

انرژی است. برپایی دوباره این راه، ۶۵ درصد جمعیت جهان، ۴۰ درصد تولید ناخالص جهانی و ۷۱ کشور را دربر خواهد گرفت. راه ابریشم نوین که با نام‌های «یک کمربند- یک جاده» یا «ابتکار کمربند و جاده» معروف شده یک تفاوت عمده دارد و آن این است که در راه ابریشم باستانی، ایران مرکز ثقل این جاده بود اما در مسیر راه ابریشم نوین، ایران کمترین نقش را ایفا می‌کند و جای خالی کشورمان کاملاً مشهود است. اما چه شده که ایران در این مسیر نادیده انگاشته شد.

سودای فتح اروپا

شعار چین در هزاره سوم «پیش به سوی غرب» است که متأثر از واکنش به استراتژی امریکایی «چرخش به سوی آسیا» برای مهار چین بود. اوپاما در اواخر سال ۲۰۱۱ با اتخاذ استراتژی «چرخش به آسیا» رسماً اعلام کرد که قصد دارد منطقه آسیا-پاسیفیک را به اولویت سیاست خارجی خود تبدیل کرده و توجه بیشتری به آن معطوف کند. پاسخ چین برای درهم شکستن استراتژی «چرخش به سوی آسیا» استراتژی «پیش به سوی غرب» است. تصور از غرب در اینجا غرب جغرافیای چین که در واقع اوراسیا و اروپا است.

بر پایه سندی که از سوی چین منتشر شده، راه ابریشم نوین دربردارنده دو مسیر تجاری است؛ «کمربند اقتصادی راه ابریشم» و «راه ابریشم دریایی». مسیر زمینی یا همان کمربند راه ابریشم نوین، در پی بیوند اروپای توسعه یافته با آسیای درحال توسعه خواهد بود. کمربند راه ابریشم نوین، دربردارنده دالان‌هایی است که تاکنون ۶ مورد آن در مرحله طراحی یا در حال ساخت هستند:

- دالان اقتصادی چین-مغولستان-روسیه
 - دالان اقتصادی پل زمینی اوراسیای زمینی
 - دالان اقتصادی چین-آسیای میانه-آسیای غربی که ایران در این دالان قرار دارد
 - دالان اقتصادی چین-پاکستان
 - دالان اقتصادی شبه جزیره هند و چین
 - دالان اقتصادی بنگلادش-چین-هند-میانمار
- راه ابریشم دریایی، کمربند کرانه‌های چین را از طریق دریای چین جنوبی و اقیانوس هند به شبه جزیره عربستان، سومالی، مصر و اروپا پیوند می‌دهد و شامل دریای چین جنوبی، تنگه مالاکا، اقیانوس هند، خلیج بنگال، دریای عرب، دریای عمان، خلیج فارس و دریای سرخ است. بی‌تردید در دهه‌های آینده، در این بخش از جهان شرکت‌های چندملیتی از همه کشورها، فرصت شایان توجهی پیدا خواهند کرد تا عرض اندام کنند و خود را برای یک روز آزمایی جهانی آماده کنند.

آنچه که حائز اهمیت است و باید به آن به عنوان نگاه ویژه و استراتژیک توجه کرد، آن است که نتیجه مطلوب راه‌اندازی شبکه کریدوری توسعه ایران، پیوند با حوزه تمدنی ایران بزرگ است. موقعیت جغرافیایی، مهم‌ترین دلیل برای بنیان نهادن کریدور توسعه ایران نیست؛ دلیل اصلی راهی توان به همسویی با جریان جهانی شدن دانست. به رغم تأکید بر لزوم تقویت برنامه‌های فعلی و کریدورهای حمل و نقل عبوری از ایران، لازم است تا نسخه‌های جدیدی برای ارتقای جایگاه منطقه و کشور پیاده‌سازی کرد. به عبارت دیگر صرف نظر از اینکه احیای کریدورها تأثیر مهمی بر اقتصاد ایران می‌گذارد، نکته اساسی این است که ما باید در زنجیره ارزش جهانی و در مبادلات بین‌الملل، قبل از هر چیزی نقش خود را پیدا کرده و بدرستی آن را ایفا کنیم. بی‌تردید راه‌اندازی کریدور توسعه‌ای ایران با اولویت توسعه تجارت و افزایش چسبندگی اقتصادی به سوی کشورهای حوزه تمدنی ایرانی (همچون آسیای مرکزی، افغانستان، پاکستان و هند) اولویت اصلی احیای کریدورها باید باشد. با این حال آنچه که بشدت در این امر مورد غفلت قرار گرفته و باید قبل از هر موضوع مورد توجه ویژه قرار گیرد، وجود یک «فرمانده واحد» برای هماهنگ‌سازی و یکپارچه‌سازی این امر است. به باور همگان، دستگاه‌های متعدد و موازی بسیاری هستند که در امر احیای کریدور دارای مسئولیت و اختیارند. این دستگاه‌ها عملاً مانع روند توسعه کریدورها هستند. به منظور به جریان انداختن مسیرهایی که آینده اقتصاد جهانی را رقم می‌زند و بر اساس یافته‌های علمی قرن اخیر، موفقیت اقتصادی کشورها، گرفتن نقش‌های مؤثر در زنجیره ارزش جهانی است و هم‌اکنون این زنجیر را کریدورها تعیین می‌کنند. غفلت از این عرصه مهم تاریخی، گناهی نابخشودنی و اشتباهی تاریخی است. اما قبل از هرگونه اقدامی به نظر می‌آید، تعیین فرماندهی جامع‌الاطراف که علاوه بر شناخت از موقعیت جهانی، تجارت و اقتصاد را بخوبی درک کند و با داشتن اختیارات تام بتواند تصمیمات حیاتی در جهت حضور مؤثر در کریدورها داشته باشد، الزامی است. قاعدتاً بهترین روش برای جذابیت در ایجاد یا احیای کریدورها، سرمایه‌گذاری مشترک است، اما این مهم زمانی اتفاق می‌افتد که کریدورها دارای «فرماندهی واحد» باشد. سفر رئیس جمهور به چین قطعاً لزوم توسعه همکاری ایران-چین را دوچندان می‌کند. اما آیا پس از سفر، رئیس جمهور به این نتیجه می‌رسد که برای کریدورها یک فرمانده واحد لازم دارد. گزارش رئیس جمهور بعد از انجام سفر به چین پاسخ این سؤال را خواهد داد.